

جامعه، سیاست و اقتصاد در چین امروز

گردآوری و تدوین
دکتر ابراهیم افاضل علمایی فر

مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات
بین‌المللی ابرار معاصر تهران

۱۳۹۶

سرشناسه	: علمایی فر، ابوالفضل
عنوان و نام پدیدآور	: جامعه، سیاست و اقتصاد در چین امروز/ گردآوری و تدوین ابوالفضل علمایی فر؛ ویراستار منیره آذری.
مشخصات نشر	: تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۸۴ص: مصور. جدول، نمودار.
فروست	: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران: ۴۱۵.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۶-۲۴۲-۴: ۱۲۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: چین
موضوع	: China
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۵ ج ۶/ع ۷ DSV
رده‌بندی دیویی	: ۹۵۱
شماره - آب‌شناسی ملی	: ۴۶۳۹۱۷۹



انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران؛ ۴۱۵

تهران: صندوق پستی ۳۸۴۹، ۱۵۸۷۵، تلفن: ۷ - ۸۸۵۰۳۲۶۶، نمابر: ۸۸۵۰۳۲۶۶

نشانی اینترنت: www.tisri.org پست الکترونیک: info@tisri.org

جامعه، سیاست و اقتصاد در چین امروز

نظارت و اجرا: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران - معاونت پژوهشی

گردآوری و تدوین: دکتر ابوالفضل علمایی فر

ویراستار: منیره آذری

صفحه‌آرا: منصوره سعادت

نمونه‌خوان: سمانه ضرابی‌نژاد

چاپ نخست: فروردین ۱۳۹۶

چاپ و صحافی: باقری

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۵۲۶ - ۲۴۲ - ۴

کد بازیابی در کتابخانه دیجیتال دید: E438BD7

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

همه حقوق محفوظ است.

پیشگفتار

پررنگ شدن نقش و تأثیرگذاری چین در عرصه نظام بین‌الملل و برآمدن آن در قامت یک قدرت نوظهور و پیشرفت شگرف اقتصادی این کشور در ظرف زمانی سی‌ساله دیری است که سبب شده است مبحث «چین‌شناسی» در سطح جهانی، از یک تفنن علمی و دانشگاهی خارج و به‌صورت یک «ضرورت» خودنمایی کند؛ هر چند که این مهم به‌رغم سطح بالای تعاملات کشورمان با این کشور مورد کم‌مهری قرار گرفته است و وجود پژوهش‌های انگشت‌شمار در این خصوص خود گواهی است به این مهم.

در این میان، نکته‌ای که باید به آن توجه ویژه داشت ویژگی‌های منحصربه‌فرد جامعه چین و سرعت تحولات آن در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است؛ زیرا کامیابی‌ها و ناکامی‌ها، چالش‌ها و فرصت‌های «چین امروز» هم به‌لحاظ نوع و هم از منظر شدت و خدت با دهه‌های گذشته دگرگونی‌های بسیاری را تجربه کرده‌اند. «چین رو»، بازنویسی و ترجمه متونی که سال‌ها از نگارش آنها می‌گذرد به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند راه‌نمای هم‌چین تحت حاکمیت نخبگان نسل پنجم باشد. بر این اساس، در کتاب حاضر تلاش شده است تا با ارائه جدیدترین مسائل مطرح در حوزه‌های سیاست، اقتصاد، اجتماع و فرهنگ چین امروز، به‌صورتی نسبتاً روشن از چین دهه دوم قرن بیستم نشان داده شود. نویسندگانی در این اثر به نگارش دست برده‌اند که علاوه بر آشنایی با حوزه‌های پیش‌گفته، عموماً سال‌های متمادی را در این کشور زیسته و از نزدیک جامعه چینی را درک و لمس کرده‌اند. بر این اساس، امید است که این کتاب گامی مؤثر باشد در عرصه شناخت عمیق‌تر چین امروز.

در اینجا پیش از همه بر خود فرض می‌دانم علاوه بر تمام نویسندگان و پدیدآوردگان این اثر، از مسئولان فرهیخته مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران تشکر کنم. بی‌تردید این مؤسسه از پیشگامان تقویت متون پژوهشی در حوزه چین‌شناسی در کشورمان بوده

است. همچنین تشکر می‌کنم از کلیهٔ دوستان و چین‌شناسانی که در شکل‌گیری و پربار شدن مباحث این کتاب کمک‌های شایانی کردند. همچنین تأثیر سؤالات و چالش‌های علمی دانشجویان در کلاس‌های درس دانشکدهٔ روابط بین‌الملل را نباید در غنای این اثر نادیده گرفت؛ از این‌رو، صمیمانه از همهٔ آنان تشکر می‌کنم.

در پایان، سپاس بی‌پایان من نثار روح فداکار مادرم که در آستانهٔ چاپ این کتاب و در ایام فاطمیه رخ در نقاب خاک کشید و مرا در تعزیت فقدان خویش رها ساخت.

دکتر ابوالفضل علمایی

فهرست مطالب

۹	مقدمه
	حزب کمونیست، چین؛ از انقلاب تا حکومت
۱۹	محمد زاری
	سیاست خارجی چین در دوره شی جین پینگ
۴۹	محمدحسین دهقانیا
	اقتصاد چین امروز؛ کامیابی‌ها و چالش‌ها
۷۹	ابوالفضل علمایی فر
	جایگاه خلیج فارس در استراتژی «یک مسیر - یک جاده»
۱۰۱	مهدی فرازی
	اقلیت‌های قومی چین
۱۲۵	علی محمد سابقی
	فرهنگ و هنر در چین معاصر
۱۵۳	محمود زهیری هاشم‌آبادی
۱۷۹	منابع و مأخذ

مقدمه

همزمان با جای‌گیری نخبگان نسل پنجم به رهبری شی جین‌پینگ، در بالاترین رده‌های هرم قدرت در چین، این کشور در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و به تبع رفتار در عرصه نظام بین‌الملل وارد مرحله جدیدی شده است که بخش قابل توجهی از مؤلفه‌های آن، با شاخص‌های چین طی سه دهه پس از اصلاحات متفاوت است. هرچند ذکر این نکته به معنای گسست در روند عملکرد و تصمیم‌سازی بین نخبگان نسل پنجم با سه نسل گذشته نیست، تفاوت‌هایی را که سال‌های دهه دوم قرن بیست و یکم چین را از مابقی آن جدا می‌سازد نیز نمی‌توان نادیده انگاشت. این تفاوت‌ها - همانطور که توضیح داده خواهد شد - چنان است که می‌توان بر این نکته پای فشرد که دوره‌ای با مؤلفه‌ها و مشخصات جدید، چه در عرصه داخلی و چه در حوزه تعاملات بین‌المللی، در چین معاصر آغاز شده است.

در واقع، نخبگان نسل پنجم ادامه‌دهندگان راه رهبری حزب کمونیست بر چین و وارثان پیشینیان خود هستند و از این منظر می‌توان شی جین‌پینگ و نخبگانی را که همراه او کرسی‌های قدرت را در نوامبر ۲۰۱۲ به خود اختصاص دادند، ادامه‌دهندگان راهی دانست که دنگ شیائو پینگ^۱ (۱۹۰۴ - ۱۹۹۷) برای تبدیل شدن چین به قدرت برتر ترسیم کرده بود؛ اما هرگز می‌توان متغیرها و ویژگی‌های منحصربه‌فردی که او را از همگامان پیشینش جدا می‌سازد و تفاوت سیاست‌هایی که او و نخبگان همراهش درپیش گرفته‌اند نادیده گرفت. با در نظر گرفتن شدت این تفاوت‌ها، که شرح داده خواهد شد، می‌توان به این نتیجه رسید که حزب کمونیست پس از سه دهه اصلاحات، همسو با تحولات جهانی، به دنبال پویاسازی هرچه بیشتر سیاست خارجی چین و حضوری فعال و متفاوت با سه دهه گذشته در عرصه جهانی است؛ البته با مشخصات و مختصات اخلاقی و رفتاری چینی. از این

منظر، هرچند پکن هنوز از هر اقدامی در جهت افزودن بر ابعاد تنش‌های بین‌المللی خودداری می‌کند، با توجه به شرایط ویژه‌ای که در آن قرار گرفته است، خواه‌ناخواه سیاستی متفاوت با سه دهه گذشته را درپیش گرفته که بررسی ابعاد و اهداف آن از اهمیت بالایی برخوردار است.

براین اساس، کتاب حاضر تلاشی است برای به تصویر کشیدن چین امروز و بررسی چشم‌اندازهای آتی این کشور در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی؛ از همین رو، تمرکز تحقیقات بر سال‌های پس از ۲۰۱۲ گذاشته شده است و در توصیف و تحلیل مطالب، تا آنجا که نیاز است، رویکردی تاریک‌شناسانه به سال‌های پیش از این تاریخ دارد. درنهایت نیز سعی شده است که چشم‌اندازی روشن فردا ارائه گردد.

در واقع، نویسنده این کتاب می‌کوشد در فصولی جداگانه به این سؤالات پاسخ دهد: چین امروز در ارتباط با مؤلفه‌های پیش‌گفته در چه شرایطی بوده است و چه چشم‌اندازی در آینده برای آن متصور خواهد بود؟ مهم‌ترین چالش‌های حزب کمونیست در عرصه سیاست داخلی کدامند و این حزب برای تسلط بر امور به تئابیری را اتخاذ کرده است؟ مهم‌ترین مؤلفه‌های سیاست خارجی چین در عصر نخبگان نسل پنجم کدامند؟ ره‌برد این کشور به آمریکا و اتحادیه اروپا، جهان عرب، روسیه، و هند چیست؟ نتایج سه دهه رشد اقتصادی بالا برای چین چه بوده است و مهم‌ترین چالش‌ها و فرصت‌های اقتصادی حال حاضر آن کشور کدامند؟ رویکرد فرهنگی نخبگان نسل پنجم چیست؟ و ناسیونالیسم چینی در دهه دوم قرن بیستم و یکم مبتنی بر چه ایستارها و مشخصه‌هایی است؟ جایگاه خلیج فارس در استراتژی کلان «یک کمربند، یک جاده» چین کجاست؟ و سیاست پکن در خصوص اقلیت‌های قومی، به‌ویژه مسلمانان مبتنی بر چه مؤلفه‌هایی است؟

در نگاهی کلی به شرایط چین امروز می‌توان بر این نکته پای فشرد که حزب کمونیست همچنان در مصدر قدرت، برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی است و حفظ قدرت و اقتدار حزب در عرصه‌های مختلف سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی، و همچنین حفظ یکپارچگی کشور از یک سو، و باز کردن درهای آن به روی جهان خارج و بهره‌گیری از فرصت‌ها و تغییرات به‌وجودآمده در سطح نظام بین‌الملل به سود توسعه و پیشرفت چین از سوی دیگر، جزو اولویت‌های آن است. با این همه، طی سال‌های پس از ۲۰۱۲، شی جین‌پینگ و یارانش وجه دیگری را در عرصه رهبری، تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی از خود نشان دادند که با همگامان پیشینشان متفاوت است.

به نظر می‌رسد این بار کسانی در رأس حزب کمونیست چین زمام قدرت را در این کشور به دست گرفته‌اند که فقط ادامه‌دهنده مسیری که دنگ شیائو پینگ، معمار اصلاحات تعیین کرده بود نیستند. در واقع، شی و همراهانش در حزب کمونیست، با توجه به شرایط جدید کشور و تحولات جهانی در پی آنند که در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی طرحی نو دراندازند؛ این درحالی است که همزمان دگرگونی‌های شدیدی در حوزه‌های مذکور رخ داده است.

در حوزه اقتصاد داخلی، چین پس از سه دهه رشد اقتصادی بالا و تکیه بر تولید هرچه بیشتر کالا، بیش از هر زمان دیگری با نتایج شتاب در رشد اقتصادی مواجه شده است. آلودگی شدید محیط زیست، افزایش مازاد تولید در حوزه‌های صنایع سستی، کمبود کارگر ارزان‌قیمت، کاهش نقش صادرات در رشد اقتصادی، برایش برای تحریک مصرف داخلی و تکیه بر آن، تشویق نوآوری و خلاقیت، ازجمله مؤلفه‌های جدیدی هستند که با عنوان سیاست «نیو نرمال» به‌شدت در عرصه اقتصاد داخلی مورد توجه قرار گرفتند.

در عرصه سیاست داخلی نیز چین تجربیات جدیدی را پشت سر می‌گذارد. «مبارزه با فساد» که از اصلی‌ترین شعارهای شی جین‌پینگ در بدو قدرت‌گیری بود، عرصه گسترده‌ای را برای دستگیری مقامات ارشد حزبی و دولتی تا مقام‌های فروتر دوا می‌فراهم ساخت که گاه از آن به‌عنوان تصفیه حساب‌های داخلی حزب یاد می‌شود که تبعات و تأثیرات مهمی را در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی چین برجای گذاشت. ازسوی دیگر، حزب بار دیگر در جهت انجام تمرکز بیشتر گام برداشت و دموکراسی درون‌حزبی با سؤالات جدیدی روبه‌رو شد و پس از سه دهه بار دیگر نوعی کیش شخصیت حول رئیس‌جمهور چین شکل گرفت و حزب در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی با چالش‌های جدیدی مواجه شد.

در حوزه سیاست خارجی هم بر شدت و دامنه چالش‌ها افزوده شد. دامنه اعتراضات به چین از محدوده مشاجرات انتخاباتی رؤسای جمهور آمریکا فراتر رفت و واشینگتن رسماً اعلام کرد که مزیت امنیتی نظامی خود را از آتلانتیک به نفع منطقه پاسیفیک تغییر خواهد داد. استقلال طلبان توانستند در تایوان زمام قدرت را در دست بگیرند؛ همزمان دامنه چالش‌ها و ادعاهای مرزی همسایگان چین در دریای جنوب گسترش یافت و تلاش‌های ایالات متحده آمریکا و پکن بر بازیگری‌های منطقه‌ای شدت بیشتری به خود گرفت و استقرار دونالد ترامپ در کاخ سفید بر حساسیت عملکرد چین در حوزه

سیاست خارجی افزود. این درحالی است که تلاش‌های پکن برای کاستن از وابستگی خود به تنگه مالاکا به عنوان مهم‌ترین شریان اقتصاد تجاری - انرژی این کشور چندان با موفقیت همراه نبوده است.

فروغلتیدن غرب آسیا در بحران‌های سیاسی، دامنه استراتژی پکن را برای دستیابی به «امنیت دسترسی به منابع انرژی» با ابهام روبه‌رو ساخت. به‌رغم سرمایه‌گذاری بسیار، میانمار با چرخشی ناگهانی به سمت آمریکا، حیاط‌خلوت سنتی را برای پکن ناآرام ساخت. تحولات بین‌المللی روسیه و چین، دو رقیب دیرین را بار دیگر تا حد قابل توجهی به هم نزدیک ساخت و شی جین‌پینگ خواه‌ناخواه تا مدتی امکان کوشید که سیاست خارجی کشور را پویا و مؤثر سازد؛ به این ترتیب، وی در عرصه دیدار از کمورها و حضور در سازمان‌های بین‌المللی، از هر رئیس‌جمهور دیگر چین فعال‌تر بود و روابط این کشور با قدرتمای بزرگ و به تبع دیگر کشورهای جهان وارد مرحله جدیدی شد.

در تنگنا قرارگرفتن چین در دریای جنوب و تنگ شدن حلقه تحرکات لجستیک این کشور در بنادر و آب‌های بین‌المللی، سبب توجه به عرصه خشکی و شکل‌گیری ایده توسعه بال‌های چین در غرب آسیا شد و در نهایت، ایده «سرپند اقتصادی جاده ابریشم» یا «یک کمربند - یک جاده» در عرصه جهانی معرفی گردید و به صورت یکی از مهم‌ترین استراتژی‌های حال حاضر پکن درآمد. این درحالی بود که تحولات سریع غرب آسیا و رقابت‌افزایی در میان کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و برآمدن هند در شمایل یک قدرت رقیب در برابر چین به گونه‌ای تلاش آمریکا برای مهار چین، تحقق این استراتژی را برای نخبگان نسل پنجم به صورت امری اجتناب‌ناپذیر درآورد.

در حوزه فرهنگ نیز طی سال‌های اخیر، چین بازگشتی دوباره به فرهنگ بومی و چندهزار ساله را شاهد بوده است. حزب کمونیست پس از پشت‌سر گذاشتن دوره‌ای از اصلاحات و جنگ برای از بین بردن آنچه فرهنگ و آداب و رسوم کهنه می‌نامید، در زمان مائو و تلاطم بسیار در عرصه فرهنگ در سه دهه گذشته، به جد به اهمیت توسعه فرهنگی برای حفظ دستاوردهای سی‌ساله پی برد. تأسیس و توسعه مؤسسه کنفوسیوس به منظور توسعه هرچه بیشتر زبان و آداب چینی در سطح جهانی، اعطای بورسیه‌های قابل توجه تحصیلی و فراهم آوردن زمینه‌های لازم جهت جذب دانشجویان خارجی، توجه و سرمایه‌گذاری انبوه به منظور توسعه عرصه‌های مختلف هنری با توجه به معیارهای فرهنگی چین، توجه به تولید نرم‌افزارها، و استفاده از فناوری مدرن برای ایجاد نگرش مثبت جهانیان به چین و غیره، در دستور کار نخبگان نسل پنجم قرار گرفت. شدت یافتن روند جهانی شدن و افزایش مراودات و

تعاملات با خارج از یک سو، و تحلیل رفتن هر چه بیشتر ایدئولوژی مارکسیستی از سوی دیگر، لزوم رویکرد به مذهب و پر کردن خلأ ناشی از فاصله گرفتن از آرمان‌های سوسیالیستی را پررنگ ساخت که خود از دیگر حوزه‌های چالش‌زا برای نخبگان چینی در عرصه فرهنگ در دهه دوم قرن بیست و یکم به‌شمار می‌رود و در حوزه تحولات فرهنگی چین معاصر باید مورد توجه قرار گیرد.

ظهور داعش و سلفی‌گری در غرب آسیا و بسط گرایش‌های بنیادگرایان در افغانستان و آسیای میانه؛ پررنگ شدن تمایلات جدایی طلبانه در مناطق مسلمان‌نشین چین؛ منطبق شدن شکاف‌های قومی، زبانی، نژادی و مذهبی با تلاش پکن برای جلوگیری از تأثیرگذاری متغیرهای خارجی بر متغیرهای داخلی در این مناطق؛ و استفاده دنیای غرب از ابزار قومیت‌ها در استان‌های اقلیت‌نشین برای مهار رفتار چین در رسم‌های مختلف سبب شد که سیاست‌های قومیتی، در سطحی وسیع و به‌عنوان حوزه‌ای مرتبط با امنیت ملی بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گیرد.

حزب کمونیست که خود را بنیان‌گذار «چین نو» می‌داند، مدت‌ها پیش از انقلاب چین تشکیل شد. این حزب در اول ژوئیه ۱۹۲۱ در شانهای و با ۵۷ عضو کار خود را آغاز کرد و از سال ۱۹۴۹ تاکنون هدایت جمهوری خلق چین را بر عهده داشته است. بنیاد ایدئولوژیکی آن نشئت گرفته از ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم است و اگرچه رهبران این حزب در طول زمان تغییر کرده‌اند، همچنان اسامی رهبران مهم این حزب در کنار افرادی مانند: مارکس و لنین مطرح، و بی‌ش‌ها و دیدگاه‌های نظری آنان به‌خصوص کسانی مانند: مائو، دنگ شیائو پینگ و جیانگ زه‌مین نیز در منشور و اساسنامه این حزب به رسمیت شناخته می‌شود.

به جرئت می‌توان گفت که از سال ۱۹۴۹ به بعد، در واقع، تاریخ حزب که روند است و تاریخ سیاسی چین کمونیست بر یکدیگر منطبق شده است. از زمان ایجاد جمهوری خلق چین (۱۹۴۹) تا سال ۱۹۵۴، این کشور بدون وجود قانون اساسی مدون اداره می‌شد. اولین کنگره حزبی در دوره جدید در سال ۱۹۵۶، یعنی زمانی که فرایند ملی‌سازی اقتصادی در مرحله پایانی خود بود برگزار شد. در طول این سال‌ها که به دوره «دموکراسی جدید»^۱ معروف است، حزب کمونیست کوشید که همه نیروهای سیاسی و اقتصادی را که با انقلاب دشمنی نداشتند جمع‌آوری، و از آنها برای بازسازی کشور استفاده کند.

محمد زارع در مقاله خود در این کتاب با عنوان «حزب کمونیست چین از انقلاب تا حکومت»، ضمن تشریح ساختار حزب کمونیست چین، رویکرد پنج نسل از رهبرانی را که لجام قدرت را در این کشور در دست گرفتند بررسی کرده است. گفتنی است که به‌استثنای رهیافت نسل اول رهبران چین، یعنی مائو، که بر رهیافت انقلاب و جنگ تأکید داشت، رهبران نسل دوم در کنگره یازدهم حزب کمونیست، اولویت‌های نظام سیاسی این کشور را از انقلابی‌گری به توسعه‌گرایی تغییر دادند. در این کنگره، که مقارن با ظهور دنگ شیائو پینگ به‌عنوان دومین رهبر کاریزما پس از انقلاب چین بود، «اصلاحات» سیاست درهای باز» که مبتنی بر اصلاحات اقتصادی در چهارچوب منطق اقتصاد بازار در داخل و روابط مسالمت‌آمیز با جهان بود تصویب شد. رهبران نسل سوم و چهارم چین یعنی جیانگ زمین و هر جیانو نیز در تداوم همان مسیر دنگ کوشیدند که با مطرح کردن نظریه «سه نمایندگی» و ایجاد جامعه همگ، به‌هم خود را در پیشبرد اهداف و استراتژی‌های کلان این کشور بپردازند. با پایان یافتن دوران رهبری نسل چهارم رهبران این کشور، شخصی که به‌لحاظ ویژگی‌های شخصیتی با مائو مقایسه می‌شود، یعنی شی جین‌پینگ، قدرت را در دست گرفت. وی که به‌لحاظ زمینه مطالعاتی با رهبران چهار نسل گذشته تفاوت دارد و در رشته جامعه‌شناسی تحصیل کرده است، در اولین نطق و سخنرانی خود در مقام رهبر چین، مبارزه با فساد را یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها و اولویت‌های خود دانسته و یادآور شده است که گذشتن ساد در کشور می‌تواند حاکمیت و مشروعیت حزب کمونیست چین را تهدید کند. شی جین‌پینگ تلاش می‌کند که اصولی مانند: ساخت جامعه‌ای معتدل و کامیاب، انجام اصلاحات عمیق، مدیریت بر اساس قانون، و تأکید بر مدیریت بهینه‌تر حزب کمونیست را مطمئن‌نظر قرار دهد و جامعه چین را به مرحله جدیدی از حیات سیاسی و اجتماعی خود رهنمون شود.

در مقاله دوم این کتاب، آقای محمدحسین دهقانیان در پاسخ به این سؤال مهم که: «سیاست خارجی چین در دوره ریاست‌جمهوری شی جین‌پینگ چه تغییراتی به خود دیده و نسل پنجم رهبری چین چه مفاهیم جدیدی را در سیاست خارجی مطرح کرده است؟»، ابتدا تداوم و تغییر در سیاست خارجی چین و عوامل اصلی دخیل در آن را شرح داده است. به‌عبارت دیگر، عواملی را مطرح کرده است که موجب شده‌اند چین در سیاست خارجی خود از دوران دنگ شیائو پینگ، تداوم را بیش از تغییر تجربه کند. وی می‌نویسد «این پرسش موجب می‌شود به این نکته بیندیشیم که اساساً سیاست

خارجی چین در خدمت رشد و توسعه اقتصادی آن بوده است و از آنجاکه برای رهبری آن، حفظ و تداوم رشد اقتصادی مسئله‌ای حیاتی است، نباید انتظار داشت که با تغییر رهبری، تغییر جهت اساسی در سیاست خارجی این کشور رخ دهد.

دهقانیان بر این نظر است که «تبدیل شدن چین به قدرت بزرگ، خواه‌ناخواه الزامات و پیامدهایی را برای این کشور در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به همراه دارد که چه‌بسا گریزی از آن نباشد و به عبارت دیگر، باید انتظار داشت که این کشور هم به تدریج همان رفتارهایی را از خود بروز دهد که از هر قدرت بزرگ، انتظار می‌رود؛ بدین ترتیب، آیا احتمال می‌رود که چین به اقداماتی در سیاست خارجی دست بزند که موجب شود ساختار نظام جهانی با چالش مواجه شود و این در حالی است که ما می‌دانیم چین رشد و توسعه اقتصادی خود را در همین ساختار محقق کرده است؟ در این زمینه چه دیدگاه‌ها و نظریاتی وجود دارند، چه بینشی به ما می‌دهند؟».

فرجام سخن آنکه، نویسنده در اسخ این سؤال که آیا می‌توان انتظار داشت در دوره صدارت شی، تغییری اساسی در سیاست خارجی چین رخ دهد، به این نتیجه می‌رسد که نخست باید دید که او به عنوان رهبر چین تا چه حد قادر است در سیاست خارجی این کشور تحول ایجاد کند و پیشینه عملکردی او از سال ۲۰۱۲ و پیش از آن (از سال ۲۰۰۷) تاکنون چه سمت و سویی را تجویز می‌کند. با توجه به اینکه سیاست خارجی چین در دوره جدید را اساساً جسرآنه می‌خوانند، باید دید که چه شاخص‌هایی برای آن می‌توان برشمرد؛ و آیا می‌توان با تمرکز بر تحلیل محتوای سخنرانی‌های «شی» به شخصیت او پی برد و نیز پاسخ مناسبی برای پرسش‌های مربوط به عملکرد او به‌ویژه در عرصه سیاست خارجی یافت.

در مقاله سوم نوشته آقای ابوالفضل علمایی‌فر، این موضوعات بررسی می‌شوند: عملکرد اقتصادی نخبگان نسل اول حزب کمونیست چین به رهبری مائو زدوونگ و مدل استالینی به کار گرفته شده در سال‌های ۱۹۴۹ تا ۱۹۸۷؛ حرکت چین از اقتصاد متمرکز و برنامه‌ریزی شده به سوی اقتصاد بازارمحور پس از این دوران؛ چگونگی تبدیل شدن چین از کشوری منزوی و فقیر به جامعه‌ای با سطح درآمدی متوسط با نقشی پررنگ در عرصه نظام بین‌الملل. سپس نویسنده با توجه به سیر تحولات اقتصادی چین در دوران سیاست «اصلاحات» و «درهای باز» می‌کوشد که نتایج حاصل از سه دهه رشد اقتصادی بالا را در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی تبیین کند. در این راستا، او تأکید می‌کند که «اگرچه

امروزه چین در ردیف قوی‌ترین اقتصادهای جهان قرار گرفته و قدرت سیاسی و فرهنگی آن در سطح نظام بین‌الملل روزافزون شده است، عوارض جانبی رشد سریع، چالش‌های جدی بسیاری را چه در ابعاد اجتماعی و فرهنگی و چه در بخش سیاسی و اقتصادی متوجه پکن کرده است. با این وصف، نویسنده شرایط اقتصادی چین امروز و چالش‌هایی را که نخبگان نسل پنجم به رهبری شی جین‌پینگ با آنها روبه‌رو هستند بررسی می‌کند و می‌کوشد که تصویری را از وضعیت اقتصادی این کشور در سال‌های آتی ارائه دهد.

آقای مهدی، ازی در مقاله خود با عنوان «جایگاه خلیج فارس در استراتژی یک «کمربند - یک جاده» نیز ضمن بیان پیشینه «ایده احیاء جاده ابریشم باستانی در دریا و خشکی که آقای شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهوری خلق چین، آن را در سال ۲۰۱۳ مطرح کرد»، روند تبدیل شدن این ایده به استراتژی کلان هدفمند عملیاتی، و در دستور پیگیری قرار گرفتن آن را بررسی می‌کند. او در این خصوص می‌نویسد «کمربند اقتصادی جاده ابریشم و راه ابریشم دریایی قرن ۲۱ که امروز با عنوان مخفف «یک کمربند - یک جاده» هرگز یافته است، نه تنها سیاست‌های توسعه داخلی چین را مدنظر قرار داده، بلکه در عرصه‌های مختلف روابط خارجی چین به صورت دوجانبه، چندجانبه و بین‌المللی نمود عینی یافته است.»

از سوی دیگر، غرب آسیا و به ویژه خلیج فارس، از دریا - در سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ جایگاه محوری داشته‌اند و در استراتژی «یک کمربند - یک جاده» چین نیز از این مهم غفلت نشده است. نویسنده این مقاله در صدد ارائه تصویری روشن‌تر از جایگاه خلیج فارس در استراتژی «یک کمربند - یک جاده» است؛ از این رو، در گام نخست، زوایای مختلف استراتژی، سازکارها و اولویت‌های همکاری در آن را به دقت بررسی می‌کند؛ در بخش دوم، علاوه بر پیشینه سیاست خارجی چین در قبال منطقه، ظرفیت‌های موجود همکاری در عرصه‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی میان چین و خلیج فارس را شرح می‌دهد و در بخش سوم مقاله، به صورت مشخص جایگاه خلیج فارس در استراتژی «یک کمربند - یک جاده» و همکاری‌های صورت گرفته یا در دست پیگیری میان چین و کشورهای منطقه را ارزیابی می‌نماید.

در جمع‌بندی مقاله می‌توان گفت که یکی از شاخه‌ها و اهداف استراتژی «یک کمربند - یک جاده»، تقویت همکاری‌های اقتصادی و در نهایت، وابستگی متقابل اقتصادی چین و کشورهای منطقه

به یکدیگر است. بی تردید، در راستای نیل به این وابستگی متقابل اقتصادی، ضرورت هم‌فکری و رایزنی مداوم سیاسی و افزایش اعتماد سیاسی میان رهبران کشورهای منطقه با چین بیشتر خواهد شد و در راستای حفظ و تداوم این همکاری‌ها، چین و کشورهای منطقه نیازمند ورود به عرصه‌های جدیدی از همکاری در زمینه‌های امنیتی و دفاعی خواهند بود. اجرایی شدن استراتژی «یک کمر بند - یک جاده» منجر به وابستگی بیش‌ازپیش چین به منطقه و در نهایت، حضور پررنگ‌تر و مسئولانه‌تر این کشور در قبال تحولات منطقه‌ای در راستای بازگرداندن صلح و ثبات به منطقه در راستای تأمین منافع و امنیت ملل چین و انتفاع کشورهای منطقه خواهد شد.

آقای علی‌محمد باقی در مقاله خود، با اشاره به وجود بیش از ۵۶ اقلیت قومی و نژادی که با زبان‌ها و فرهنگ‌ها و آداب و رسوم متفاوت و متنوع در کشور چین زندگی می‌کنند، می‌کوشد ضمن ارائه تصویری کلی از اقلیت‌های قومی و نژادی در جامعه موزائیکی آن، سیاست‌های کلی دولت را در برخورد با این اقوام بررسی کند. از این رو، ابتدا به اصل موضوع اقوام و اقلیت‌ها و تعریف مصطلح آنها نگاهی می‌اندازد و سپس جایگاه این اقلیت‌ها را در این کشور براساس آمار و ارقام مشخص می‌کند. نظر به اهمیت اقلیت مسلمان در جامعه چین در این مقاله ابتدا به اقوام مسلمان و استان مسلمان‌نشین سین‌کیانگ به‌طور مشخص توجه شد و سپس چالش‌هایی که دولت درخصوص اقلیت‌های قومی با آنها روبه‌روست و نیز موضوع تروریسم و افراطی‌گرایی در این کشور مورد مذاقه و بررسی قرار گرفته است.

آقای محمود زهیری هاشم‌آبادی نیز در مقاله خود آورده است که فرهنگ اساساً پدیده‌ای است پیچیده و چندبعدی. هم‌زمان با چندقطبی شدن جهان و جهانی شدن، تنوع فرهنگی، تغییر روزبه‌روز عصر اطلاعات و حاد شدن روزافزون رقابت قدرت نرم فرهنگی در حادث بین‌المللی، عامل فرهنگی به‌طور چشمگیری به موتور و بدنه مهم پیشرفت اقتصادی تبدیل شد و انواع فرهنگ‌های فکری در مقاطع مختلف جهانی ظهور و بروز پیدا کرد؛ به‌طوری‌که امروزه مطالعه و تحقیق درباره آن، از جایگاه ویژه‌ای نزد دولتمردان و صاحبان خرد و اندیشه برخوردار شده است. از این منظر، شناخت هر فرهنگی، به‌ویژه فرهنگ کشور پهناور و پرجمعیت چین که سابقه‌ای چندهزار ساله دارد، اهمیتی بیش‌ازپیش یافته است. فرهنگ چینی را می‌توان از زوایای گوناگونی مطالعه کرد؛ اما در این مقاله، بیشتر جنبه‌هایی مانند: تعهدات فرهنگی چین، تأسیس و توسعه نهادها و تسهیلات

فرهنگی جدید، رواج آموزش‌های پایه از طریق برنامه‌های عمومی، محافظت از میراث فرهنگی، دستاوردهای عظیم توسعه فرهنگی، اصلاحات فرهنگی و غیره مورد بررسی قرار گرفته است.

گفتنی است تا پیش از اجرای سیاست «درهای باز»، نخبگان حزب کمونیست چین بر این نظر بودند که تفکرات و نظریات مارکسیستی برای اداره کشور کفایت می‌کند؛ اما پس از این دوران، رفته‌رفته چینی‌ها به این نتیجه رسیدند که نظریات مارکسیستی به‌تنهایی نمی‌تواند جوابگوی مسائل پیش‌رو باشد؛ از این‌رو، در زمانی که چین به‌طور عمیق وارد تجارت فرهنگی و بازار رقابت فرهنگی شد، استراتژی صدور فرهنگ چین به خارج از مرزهای کشور بیش‌ازپیش مطرح شد. این استراتژی با ابزارهای «سیمه مایی» مانند: بنیانگذاری مؤسسه کنفوسیوس، مطرح کردن ایده «رؤیای چین»، و ایده «یک کمربند - یک راه» وارد مرحله جدیدی شده است.

به‌رسمیت شناختن خاصیت دوگانه فرهنگ؛ تأکید بر صنعت فرهنگی به‌عنوان بستری پراهمیت برای شکوفایی فرهنگ سوسیالیست در شرایط اقتصادی بازار و رفع نیازمندی‌های فرهنگی عموم مردم؛ حل معضل روابط بین توسعه فرهنگی و واقعیت‌های اجتماعی؛ و پر نقش شدن بازیگران غیرحزبی و حکومتی در عرصه فرهنگ و سر، از دغدغه‌های ذهنی نخبگان نسل پنجم حزب کمونیست چین به‌شمار می‌رود.